



بامقدمه دنی برتران

چشم اندازهای تازه پژوهش

نشانه شناسی

فرهنگ، هنر

وادبیات

مجموعه مقالات

نخستین همایش

بین المللی نشانه شناسی

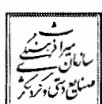
دانشگاه شهید بهشتی

به کوشش: مرضیه اطهاری نیک عزم

نشانه‌شناسی فرهنگ، هنر و ادبیات



مرکز ملی فرش



نشان ملی ایران
جمهوری اسلامی ایران

-
- سرشناسه: همایش نشانه‌شناسی فرهنگ، هنر و ادبیات (نخستین : ۱۳۹۶ : تهران)
 (colloque de sémiotique de la culture, des arts et de la littérature) 1st: 2017: Tehran
- عنوان و نام پدیدآور: نشانه‌شناسی فرهنگ، هنر و ادبیات/ [گردآورنده] مرضیه اطهاری نیک‌عزم.
 مشخصات نشر: تهران: نشر خاموش، ۱۳۹۸.
 مشخصات ظاهری: ۵/۱۴×۵/۲۱ س.م.
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۳۶-۴۴۰۳
- وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 موضوع: نشانه‌شناسی و ادبیات -- کنگره‌ها
 Semiotics and literature -- Congresses
 موضوع: نشانه‌شناسی و هنر -- کنگره‌ها
 Semiotics and art -- Congresses
 شناسه افزوده: اطهاری نیک‌عزم، مرضیه، گردآورنده
 Athari Nikazm, Marzieh
 رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ ۸۵۸/ ۹۸ PN
 رده‌بندی دیویی: ۸۰۱/۴
 شماره کتابشناسی ملی: ۵۵۹۱۷۴۰
-

نشانه‌شناسی فرهنگ، هنر و ادبیات

به کوشش:

مرضیه اطهاری نیک‌عزم

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی



نشر خاموش



نشر خاموش

نام کتاب:	نشانه‌شناسی فرهنگ، هنر و ادبیات
به‌کوشش:	مرضیه اطهاری نیک‌عزم
طرح جلد:	علی خفاجی
ویراستار:	موسسه ویراستاران
چاپ و صحافی:	چاپ دیجیتال نقطه
چاپ / شمارگان:	اول ۱۳۹۸ / ۲۰۰ نسخه
قیمت:	۹۰۰۰۰ تومان
شابک جلد ۱:	۹۷۸-۶۲۲-۶۰۳۶-۴۴-۳

تمامی حقوق این اثر برای نشر خاموش محفوظ است.

ارتباط با نشر خاموش: ۰۹۱۲۰۱۷۸۱۹۴ | ۰۹۱۳۱۷۸۱۹۲۰

www.khamooshpub.ir | www.khamooshpub.com | @khamooshpubch

تهران، ولنجک، خیابان گلستان سوم، پلاک ۳، همکف

هرگونه کپی برداری، برداشت و اقتباس از تمام یا قسمتی از این اثر، منوط به اجازه کتبی ناشر می‌باشد.

مرکز پخش: پخش ققنوس، میدان انقلاب، خیابان منیری جاوید (اردیبهشت)، بن بست مبین، شماره ۴
تلفن: ۰۶۶۴۰۸۶۴۰ / ۰۶۶۴۶۰۰۹۹

مرکز پخش: پخش چشمه، بلوار دماوند، بعد از سه راه تهران پارس بلوار اتحاد، اتحاد ۱۱، پلاک ۸
تلفن: ۰۷۷۷۸۸۵۰۲ / ۰۷۷۱۴۴۸۰۸ / ۰۷۷۱۴۴۸۲۱

فروشگاه: کتابفروشی توس، خیابان انقلاب، نبش خیابان دانشگاه، پلاک ۱۷۸
تلفن: ۰۶۶۴۶۱۰۰۷

فهرست

فصل اول: نظریه‌های نشانه‌شناسی

۱. تعامل: اگزیستانس یا امر هستی؟ ۲۱
هیاو حیدری
۲. درآمدی بر فن خوشه‌بندی در نشانه‌شناسی ۴۹
مختار جعفری

فصل دوم: نشانه‌شناسی ادبیات

۳. نشانه‌شناسی انتقادی طبقه متوسط شهری در داستان *زایمان* از سیمین دانشور ۷۷
فرزان سجودی / امین فرخی حقیقت
۴. بررسی اهمیت دلالتی و نشانه‌ای مفهوم خوراک در رمان *در جستجوی زمان از دست رفته* ۱۰۲
مینا دارابی امین / سحر وفاپی تاج‌خاتونی
۵. اکبر رادی: هویت دوگانه تئاتر ۱۱۹
نقد پسااستعماری از سازوکار مواجهه با دیگری و ترجمان فرهنگی تئاتر در نمایشنامه
ملودی شهر بارانی نوشته اکبر رادی با رویکرد نشانه‌شناختی
فرهاد امینی / فرزان سجودی

۶. سیالیت معنای «واقعیت» در نظام دلالتی نشانه‌های گفتمان شعر صوفیانه کلاسیک ۱۵۵
نسرین فقیه ملک مرزبان
۷. بررسی ایزوتوپ در اشعار شمس‌الدین محمد حافظ و هوشنگ ابتهاج با تکیه بر
رویکرد نشانه - معنانشناسی گرماس ۱۶۷
سهیلا صلاحی‌مقدم / نسرین فقیه ملک‌مرزبان
۸. بررسی فرایند روایی در شعر «کتیبه» از اخوان ثالث ۱۸۱
مریم ذریر
۹. کاربرد نظریه نشانه‌شناسی مایکل ریفاتر در تحلیل شعر «بازگشت» فروغ فرخزاد .. ۱۹۳
مرضیه بهادیوند چگینی
۱۰. تحلیل و بررسی نشانه-معنانشناختی مفهوم تعلیق و درآستانگی در شعر «صبح» از
دفتر شعر ساعت ۱۰ صبح بود، اثر احمد رضا احمدی ۲۱۳
پریسا آقابابایی / شکبیا ذاکر حسینی

فصل سوم: نشانه‌شناسی تصویر

۱۱. بازنمایی تصویر زن بر جلد کتاب در ایران (با رویکرد نشانه‌شناسی گفتمانی) ۲۲۷
شادی تاکی
۱۲. نشانه‌شناسی زبان بصری در طرح جلد‌های ناصر نصیری برای چند دفتر شعر ۲۴۳
فرزاد کریمی
۱۳. نشانه‌شناسی دو دهه عکس خانوادگی در ایران (دهه ۵۰ و ۸۰ شمسی) ۲۶۱
افسانه کامران
۱۴. تحلیل نشانه معنانشناختی فرایند عبور از زمان کمی به زمان کیفی در آثار
خط‌نقاشی الهام همراز ۲۸۹
حمیدرضا شعیری / زهره رهنما
۱۵. بررسی نشانه‌معنانشناختی فضا و مکان در تابلوی مینیاتور «گریز یوسف از زلیخا»
اثر کمال‌الدین بهزاد ۳۱۱
زینب گلستانی درو / شکبیا ذاکر حسینی
۱۶. تحلیل نشانه‌شناختی طراحی‌های بداهه: فوریت‌های نشانه‌ای (با مطالعه موردی
چند اثر) ۳۲۹
سپیده نورایی

مجموعه مقالات ❖ ۳

۱۷. زبان بصری مسجد تاریخی میرپنج خامنه..... ۳۵۱
ماندانا کلاهدوز محمدی / زکیه رشیدآبادی / عذرا نصیری افرایلی
۱۸. خوانش نگاره «بارگاه کیومرث» اثر سلطان محمد تبریزی از منظر رهیافت
شمایل‌نگاری-شمایل‌شناسی اروین پانوفسکی..... ۳۶۹
سارا حاجی‌نژاد
۱۹. بررسی نشانه‌شناسی تبلیغات روی دستگیره‌های قطار مترو و اتوبوس‌های
درون‌شهری..... ۴۰۷
علی کاملی

فصل چهارم: نشانه‌شناسی فرهنگ و هنر

۲۰. خلق فضای کنش‌پذیر مبتنی بر رمزگذاری فرهنگی در عرصه عمومی شهر..... ۴۲۳
موردپژوهی: میدان بهارستان، تهران
مریم محمدی
۲۱. مطالعه تطبیقی فرمی و محتوایی نقوش دست‌بافته‌های ترکمن و قشقایی..... ۴۴۹
غزال طرفه‌نژاد / مجیدرضا مقنی‌پور / فؤاد نجم‌الدین
۲۲. تحلیل نشانه‌شناختی نقش سه‌کله در فرش افشار شهرباک..... ۴۷۵
مجتبی یزدان‌پناه / زهرا عطاءاللهی شهرباک
۲۳. خوانش نشانه‌ای ابره‌های روزمره، مطالعه فرایند نشانه — معنایی تعامل و تعارض
بین فرش و مبیل..... ۴۹۱
مریم احمدی / حمیدرضا شعیری / ایمان زکریایی کرمانی
۲۴. نشانه‌شناسی رقص‌های فولکلور گیلان..... ۵۱۷
محمدرضا احمدخانی / زهرا حسن‌زاده راد / آفاق حسن‌زاده راد
۲۵. تعرض از دیدگاه نشانه‌شناسی اجتماعی در فیلم فروشنده اثر اصغر فرهادی..... ۵۲۹
محمد هاشمی
۲۶. بازی نشانه‌های تخیل «ژیلبر دوران» در بازنمایی تصویری فرهنگ عامه با نگاهی
به فیلم /زدها/ وارد می‌شود اثر مانی حقیقی..... ۵۵۹
رامتین شهبازی

فصل پنجم: نشانه‌شناسی فضای مجازی

۲۷. ینماگری هواخواهان در تلگرام ۵۸۳
خوانش متون خلاقانه کاربران در رسانه‌های اجتماعی از منظر مطالعات فرهنگی
حسین کرمائی
۲۸. سیر تحول بازی‌های مجازی از منظر نشانه‌شناختی ۶۱۳
آنی‌تا صالح بلوردی

پیشگفتار

ملاقات میان نشانه - معناشناسان اروپایی و ایرانی که از مدت ها پیش وبه واسطهٔ این رشته شکل گرفته است، این بار هم دارای بُعد عاطفی وفکری چشمگیری بود؛ غرابت وقربابت به طرز عجیبی به هم پیوند خوردند. آیا عمق تاریخی فرهنگ ایران است که ورای مسائل روز، موجب می شود مسافرا روپایی نشانه های موجود در آداب ورسوم روزمره را، همانند نشانه های موجود در بناها و هنرهای ایرانی، به دیده تحسین بنگرد؟ یا بُعد مفهومی نشانه - معناشناسی است که نوعی جدایی وفاصلهٔ معنایی مرتبط با پدیده ها ومتون را شکل می دهد؟ رابطه های «همگرایانه» که به صورت خاموش، نشانه - معناشناسی ایرانیان واروپاییان را به هم پیوند می دهد، شاید قابل تشخیص نباشند ولی به سادگی یک لبخند و به روشنی، می توان تفاهم ونیروی با هم سهیم شدن آن ها را دید.

همایش اکتبر ۲۰۱۷ با عنوان «نشانه شناسی فرهنگ، هنر و ادبیات» که مقالات آن در این کتاب گردآوری شده، نمونهٔ چشمگیری از این پیوند است. این رویداد بزرگ که از چند هفته قبل از آن با برگزاری کارگاه های آموزشی پژوهشی آغاز شده بود، توانست تعداد درخور توجهی ازدانشجویان ومدرسان ومحققان این حوزه را گرد هم آورد واز آخرین تحقیقات وپژوهش های نشانه - معناشناسی باخبر سازد.

این رشته که غالباً در دانشگاه‌های اروپایی در حاشیه قرار دارد، در مرکز توجه دانشگاه ایرانی قرار گرفت و انرژی و اشتیاق زیادی به همراه آورد.

متخصصان ایرانی، فرانسوی، بلژیکی و ایتالیایی نتایج تحقیقات خود را در سه بخشی که در این مجموعه می‌بینید به اشتراک گذاشتند و یک برخورد فرهنگی واقعی میان آثار ایرانی و اروپایی به چشم می‌خورد. در این باره، می‌توان به پیوند میان دوبیابان وسیع در اثر ژان ماری گوستاو لوکلزیو^۱ و محمود دولت‌آبادی اشاره کرد. ابزارهای تحلیل نشانه - معنا شناختی، روابط منطقی و مستدل را تضمین می‌کند و گفت‌وگورا پُربارتر می‌سازد. بدین سان، سه حوزه گسترده فرهنگی در به روزترین شکل خود بررسی شده: ادبیات، تصویر و در نهایت روابط میان معنا و جامعه که با پرسش‌های جدیدی دربارهٔ دوگانه سنتی «فرهنگ و طبیعت» همراه هستند؛ دوگانه‌ای که گرماس و کورتز در کتاب *نشانه‌شناسی، واژه‌نامه استدلالی نظریه زبان* (اشت، ۱۹۷۹: ۷۸)^۲ آن‌ها را تحلیل کرده‌اند و در واقع جزء اولین مقولات پایه‌ای دنیای معناشناسی اجتماعی است.

سه حوزه نشانه‌شناسی ادبیات، نشانه‌شناسی دیداری و جامعه - نشانه‌شناسی، ستون کلاسیک نشانه‌شناسی را شکل می‌دهند و تضمینی هستند برای استحکام و دوام این رشته که در عین حال هم تاریخی و هم علمی و هم نهادی می‌باشد. آنچه در این کتاب نوآوری محسوب می‌شود، این است که این سه حوزه بر اساس چشم‌اندازهای عمیقاً جدید نشانه‌شناسی معاصر، تحلیل شده‌اند. ولی به طور کلی یک مفهوم، جهت‌گیری‌های کاملاً متنوع دورهٔ پساگرماسی را به صورت موجز بیان می‌کند: جریان پدیدارشناسی؛ به عبارت دیگر در نظر گرفتن بُعد حسی - احساسی در تحلیل‌ها.

بی‌شک، از زمان نشانه - معناشناسی ساختاری، در سال ۱۹۶۶، گرماس پس‌زمینهٔ پدیدارشناختی را ترسیم کرده بود که بر روی آن شبکه‌های معنایی،

1. Jean-Marie Gustave le Clézio

2. *Dictionnaire raisonné de la théorie du langage*, Paris, Hachette, 1979.

مؤلفه‌ها و واحدهای معنایی و امکان تحلیل آن‌ها شکل گرفت. اما خود ساختار به منزله رابطه افتراقی و طبقه‌بندی شده، تضمین‌کننده انسجام معناست؛ معنایی^۱ که با روند زایشی معنی^۲ به اوج خود می‌رسد و به صورت عینی بروز می‌یابد. پارامتر «ذهنیت» با دقت خاصی کنار گذاشته شده بود، زیرا همانند پدیده‌ای بی‌نظم اصل اعتبار را در هم می‌شکست و همواره آماده ظاهر شدن بود؛ بنابراین بهتر بود درباره آن احتیاط کرد. در هر صورت، بازگشت واضح و بحق پدیدارشناسی به ویژه با چاپ آخرین اثر گرماس، در باب نقصان معنا (۱۹۸۷)، شکل قطعی یافت. می‌توان گفت از آن پس لنگرگاه نظریه معنا در ادراک و همچنین در نظر گرفتن بی‌واسطه تجربه حس - احساسی، با روشی متفاوت، به صورت قاعده در نشانه - معناشناسی درآمدند.

در این مقدمه کوتاه از ذکر نام افراد و جهت‌گیری‌های نظری آن‌ها خودداری می‌کنیم زیرا ناکافی و اجمالی است. خوانندگان آشنا با این مباحث بی‌شک با نام و چهره و نظریات آنان آشنایی دارند.

بحث طولانی درباره رویکرد منقطع (مبتنی بر عناصر متمایز) یا رویکرد متصل (مبتنی بر تغییرات شدت ظهور پدیده‌ها) در مطالعه معنا، در آغاز راه نشانه - معناشناسی، تنشی است که در گام‌های بلند پدیدارشناسی، تجربه حسی ادراکی و عاطفی را در مرکز زبان قرار می‌دهد. واژگان متضاد یا متناقض از بین نمی‌روند ولی با تحلیل، تنش‌های نهفته در آن‌ها روشن می‌شود و به حالت حداقلی یا حداکثری خود می‌رسد (فرامتضادها، فرومتضادها)، و آن‌ها را به دو شیوه نحوی استدلال وابسته می‌کند (کنسیسو^۳ یا محدودسازی، همراه با ظهور ناگهانی است، از دیگر سو امپلیکتیو^۴ یا استلزام، که همان منطق «اگر... پس»

1. sens

2. signification

3. concessif

4. implicatif

است که با شدن همراه می‌باشد) و باعث می‌شود ارزش‌های متفاوتی در متن به وجود آید.

این استنباط از معنا که در دنیای حسی - احساسی غوطه می‌خورد، در فرانسه با آثار مرلوپونتی^۱ در خصوص ادراک مشخص شد و در نشانه‌شناسی نمودهای گفته‌پردازانه نیز بروز یافت. روابط میان سوژه (فاعل که مسئولیت گفتمان را بر عهده دارد) و ناسوژه (در گفتار اتوماتیکی و یا سوژه عاطفی که تحت تأثیر شدید ابژه‌هاست) شاه کلید این رویکرد است که برگرفته‌پردازی بنا شده است.

بدین ترتیب، نشانه - معناشناسی، گزاره‌های روان‌تنی سوژه ادراکی را که «حضورش» در دنیا تضمین شده، به گزاره‌های شناختی سوژه‌گوینده، که گزاره‌های اول را «گرفته» و عینیت می‌بخشد، پیوند می‌دهد. این بار اصلی که بر عهده سوژه است به نشانه‌شناسی امکان می‌دهد که در حوزه جدید روان - نشانه‌شناسی، تحلیل‌های عمیقی و درمان‌گرانه داشته باشد.

جایگاه قدیمی متن به عنوان «کلیت معنی» که بر روی خود بسته شده و خود، موضوع تحلیل بود توانست با نشانه‌شناسی اعمال روزانه، موضوعات مورد بررسی نشانه‌شناس را به صورت متن درآورد و همانند عروسک روسی، یکی را در دل دیگری جای دهد تا جایی که به درک منظم و منطقی معنا دست یابد. از یک پلان درونی ساختاری به پلانی دیگر، نشانه‌شناس از نشانه و متن شروع می‌کند تا به بافت متن، استراتژی‌های موجود در آن و همچنین اشکال زندگی، که از خلال این استراتژی‌ها معنا و تناسب را به وجود می‌آورد، دست یابد. اشکال زندگی عبارت است از پیچیدگی‌های خود تجربه حسی - احساسی در فرایند معناسازی.

در بطن این اعمال، یا در نشانه‌شناسی موقعیت‌ها، بی‌شک تعاملاتی وجود دارد که میان عاملان و مفعولان شکل می‌گیرد؛ به شرط آنکه تحت عنوان کنشگر، محتوایی وسیع‌تر را مطرح کند که اشخاص و حتی بهترازان، ابژه‌های آشنا، مناظر

ورفتارها در آن جای دارند؛ به طور خلاصه سیاست ارتباطات حساس که در افقی پدیدارشناسانه، جامعه - نشانه شناسی تعاملات را به وجود می آورد. و در آن، استزی^۱ یا به عبارتی رویداد حسی به اشتراک گذاشته شده، مرکزی است و روند پیوند میان سوژه و محیط اطرافش را تحقق می بخشد.

جهت گیری دیگری در نشانه شناسی وجود دارد که در عین اینکه با رویکرد پدیدارشناسی حسی رابطه دارد ولی از آن متمایز می شود، زیرا برای این رویکرد، مسئله زبان و یا دقیق تر بگوییم ادراک همانند زبان است و نشانه شناسی آیکونیک^۲ نام دارد که بر معناسازی ادراکی متمرکز شده؛ به عبارتی تحقق کنش ادراک به مثابه معنی. این کنش با مرحله ای نمایه ای (چیزی وجود دارد که برای من نشانه تولید می کند) به وجود می آید و سپس با مرحله تصویری (این چیز در ارتباط شباهت با دیگر چیزهاست که از طرفی دارای هویت یکسان هستند) به شکل محتوا می پردازد. در آخر، وارد مرحله نمادین می گردد تا آن چیز، در بطن قواعد، بهتر شناخته شود؛ (طبقه بندی، سازوکار، سلسله مراتب و حتی احساس) که جایگاهش را تعریف می کند و هویت خاص خود را تضمین می نماید. این نشانه - معناسازی، رابطه تنگاتنگی بین تجربه زنده معنا و محتوای زبان ها به دست داده و امکان می دهد که دوباره رابطه متون با تصاویر تعریف و یا ظریف تر تحلیل شود. تمام آیکون های بویایی، چشایی و لامسه دنیای حسی که در آن مشارکت دارند تجسم گری^۳ نامیده می شود. تجسم گری، که با تجربه معناسازی ادراکی مرتبط است، مرتبط با رمزگان و قواعد درونی فرهنگ هایی است که آن را تولید می کند و باعث می شود بتوانیم ابژه هایی را که این تجسم گرایی از آن ناشی می شود بشناسیم. سبک هایی که وجود دارد، نظیر رئالیست، تخیلی، متن رمزگونه، سوررئال، از این پس تابع معناسازی ادراکی است و از این طریق روشن می شود.

1. Esthésie

2. Iconique

3. Figurativité

پنج مورد را برشمردیم و طرح مختصری ارائه دادیم، اما بی شک پژوهش‌های نشانه - معناشناسی معاصر، چشم‌اندازهای بیشتری دارد. به طور خاص، نظریه‌های نشانه - معناشناسی فرانسوی، ایتالیایی و بلژیکی که کشورهای مهم در زمینه معرفی نشانه - معناشناسی اروپا هستند، در این مجموعه آورده شده است. تنها امید داریم با انتخاب مواردی که منتج از نشانه - زبان‌شناسی گرماس است نشان داده باشیم که آن نوع ساختارگرایی که گرماس مطرح کرده بود، پیروان واقعی خود را یافته است و جهت‌گیری‌های جدید هر قدر هم متنوع باشند، همانند شاخه‌هایی به دورتنه اصلی جمع می‌شوند، آن هم بُعد حسی - احساسی معنا که دو بُعد واژه «حسی - احساسی» را به هم پیوند می‌دهد: ادراکی و عاطفی. این انسجام همان است که این امکان را برای نشانه - معناشناسی فراهم می‌آورد تا با الگوهای تحلیلی، از رویکردهای مختلفی که در علوم انسانی و اجتماعی در جریان است، یک حوزه مشاهده انتقادی را بنا نهد؛ همانند حضور هرمنوتیک جدید در نظریه ادبی امروز، که در ابعاد کوچک‌تر به این علوم کمک می‌کند تا اکنون و در آینده بتوانند توسعه یابند. این همان چیزی است که در جریسان اخیر در ایتالیا و فرانسه رایج است و آن را مشاهده می‌کنیم: قوم - نشانه‌شناسی و انسان - نشانه‌شناسی. در نهایت باید گفت زمینه‌های نشانه - معناشناسی، امروز بیش از همیشه گسترده شده است.

دنی برتران

استاد دانشگاه پاریس

دی ماه ۱۳۹۷

مقدمه

نشانه‌شناسی دانشی است که در قرن بیستم پایه‌گذاری شده و به عنوان رشته‌ای مطرح می‌شود که به مطالعه تولید معنا، پویایی درونی متون و بررسی ساختارهای معنا دار می‌پردازد که از اهداف نشانه‌شناسی مکتب پاریس است. به همین سبب، بنا بر رسالت دانشگاهی، گروه زبان و ادبیات فرانسه با همکاری معاونت محترم پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی درصدد برآمده‌اند تا به مناسبت صدمین سالگرد تولد آلزیرداس گرمس، نشانه‌شناس نامی فرانسوی و لیتوانیایی تبار که نویسنده کتاب‌های فراوانی در این زمینه است، برای بزرگداشت یاد و خاطره این اندیشمند در سال ۲۰۱۷ همایشی برنامه‌ریزی و برگزار کنند. در این فرصت بر آن شدیم تا ضمن ارزش نهادن به دستاوردهای گرمس و نشانه‌شناسی مکتب پاریس، مقالات دریافتی را دریافتی کلی‌تر در نظر بگیریم و مبانی نشانه‌شناسی را درباره موضوعات همایش بسنجیم:

- تاریخچه و رویکردهای نشانه‌شناختی،

- نشانه‌شناسی فرهنگ،

- نشانه‌شناسی متون ادبی،

- نشانه‌شناسی صنایع دستی،

- نشانه‌شناسی هنرهای تجسمی،
- نشانه‌شناسی فرش،
- نشانه‌شناسی آگهی تبلیغاتی در صداوسیما جمهوری اسلامی،
- نشانه‌شناسی فیلم و سینما.

از این رو، «نخستین همایش بین‌المللی نشانه‌شناسی فرهنگ، هنر و ادبیات»، در روزهای ۲۹ و ۳۰ مهرماه ۱۳۹۶ با حمایت معنوی و مالی وزارت محترم علوم و فناوری، پایگاه استنادی جهان اسلام، سازمان محترم میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، مرکز فرش ایران و انجمن ایرانی زبان و ادبیات فرانسه برگزار شد.

تشکیل دو هفته کارگاه تخصصی به دوزبان فارسی و فرانسه نیز آغازگر کار همایش بود که برپراکردن همایش افزود. همچنین برای بسط موضوعی، میزگردهایی نیزورای محورهای جلسات و پنل‌ها، در برنامه ریزی همایش ترتیب داده شد.

در همین راستا، برنامه همایش شامل سه نشست موازی به دوزبان است که با سخنرانی یک ساعته متخصصی از اروپا شروع و پس از درنگی کوتاه، با مقالات تخصصی که از سوی کمیته علمی حول محور مشخصی انتخاب شده‌اند، پی گرفته شد.

در این همایش از استادان، اندیشمندان، پژوهشگران، دانشجویان و متخصصان برجسته دعوت شده است تا مقالات ارزشمند خود را درباره موضوعات معین در زمینه فرهنگ، هنر، ادبیات، علوم ارتباطات و تبلیغات، معماری، شهرسازی، صنایع دستی، فرش، فیلم و... در قالب سخنرانی تدوین کنند. هرچند نشانه‌شناسی بخشی از علوم زبانی است، اما گستره آن تمامی مفاهیم اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد که پاره‌ای از سخنرانی‌ها به این مطالعات اختصاص یافته‌اند.

هدف از این همایش آن است که برای متخصصان این زمینه، زمینه‌ای فراهم شود تا به تبادل نظرات خویش بپردازند. بدون ساده‌انگاری و با اعتقاد قوی باور داریم که این تبادلات فرصتی استثنایی برای به‌کارگیری مفاهیم نشانه‌شناسی و ترویج بیش از پیش آن در ایران خواهد بود.

در پایان ضمن تشکر از همراهی، هم‌فکری و حمایت‌های هیئت رئیسه دانشگاه شهید بهشتی و دانشکده ادبیات و علوم انسانی، همکاران و اعضای محترم کمیته‌های علمی و اجرایی و مسئولان تمامی اداره‌های مرتبط و حامیان معنوی و مالی، وزارت محترم علوم و فناوری، پایگاه استنادی جهان اسلام، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، مرکز فرش ایران و انجمن ایرانی زبان و ادبیات فرانسه، همکاری ایشان را با دبیران همایش و کمیته‌های علمی و اجرایی ارج می‌نهم. همچنین از تمامی استادان، متخصصان، نخبگان، فرهیختگان و سایر پژوهشگران که با ارسال مقالات خود با ما همکاری کرده‌اند، سپاسگزاریم و حضور و سخنرانی آنان را که حاوی دستاوردهای ارزشمند علمی و پژوهشی در این زمینه است و فرصت بحث و گفت‌وگو را فراهم می‌آورد، مغتنم می‌شماریم.

بدین وسیله از تلاش‌های تمامی همکاران دانشکده و گروه فرانسه قدردانی کرده و سپاس ویژه خود را از دبیر محترم اجرایی همایش به واسطه تمام هم‌فکری و سعی و تلاش گسترده‌ای که در راستای برگزاری بهینه همایش مبذول داشته‌اند، اعلام می‌کنم. به علاوه، از دانشجویان گروه زبان و ادبیات فرانسه که در این راه همراه ما بودند و در انجام کارهای اجرایی از هیچ تلاشی فروگذار نکردند، صمیمانه تشکر می‌کنم. ضمن آرزوی توفیق و سربلندی برای همه این عزیزان از خداوند منان، امید است برنامه تفصیلی سه هفته با نشانه‌شناسی در دانشگاه شهید بهشتی که به این همایش انجامید و حاصل مشارکت و هم‌فکری و تبادل

❖ ۱۴ مجموعه مقالات

آرای متخصصان نشانه‌شناس بود، امکان توسعه زمینه را برای بحث و بسط و نشر بیشتر مطالعات نشانه‌شناسی در کشور فراهم آورد و گام‌های ثمربخشی در این مسیر بردارد.

فرزانه کریمیان

دبیر علمی همایش

و مدیر گروه زبان و ادبیات فرانسه

مهرماه ۱۳۹۶

یک قرن از سالروز آلفریداس ژولین گرماس^۱، اندیشمند لیتوانیایی، و بیش از نیم قرن از تشکیل انجمن نشانه‌شناسی در اروپا می‌گذرد؛ انجمنی که در آن علاوه بر گرماس، رولان بارت^۲، امیل بنونیست^۳، امبرتواکو^۴، رومن یاکوبسون^۵ و دیگران حضور داشتند. در فرانسه، با تأثیر از سوسور زبانشناس سوئیسی و فرمالیست‌های روس و لویی یمسلف زبان‌شناس دانمارکی، گرماس نشانه‌شناسی مکتب پاریس را شکل داد و البته با فاصله زمانی کمی ژان کلود کوکه^۶ نشانه‌شناسی سوژه را به نام نشانه‌شناسی سوژه‌محور در مقابل نشانه‌شناسی ابژه‌محور گرماس مطرح کرد. از آن پس، از خلال این مناظرات، نشانه‌شناسی در اروپا شکل گرفت.

مسئله اساسی در واقع روند تولید معناست که برپایه اصول معرفت‌شناختی بنا شده و به عنوان نظریه‌ای کلی مطرح گردیده و به صورت روشی درآمده که در حوزه‌های مختلف زبان چه کلامی چه غیرکلامی قابل اجرا و کاربردی است. البته با دقت و روشنی نمی‌توان گفت که نشانه‌شناسی یک رشته است و یا فرارشته‌ای که چارچوب معرفت‌شناسی و نظری برای رشته‌های دیگر به وجود آورده است همانند ریاضیات برای علوم دقیق دیگر، ولی می‌توان گفت که ارتباط تنگاتنگی

-
1. Algirdas Julien Greimas
 2. Roland Barthes
 3. Émile Benveniste
 4. Umberto Eco
 5. Roman Jakobson
 6. Jean-Claude Coquet

میان نشانه‌شناسی و دیگر رشته‌های علوم انسانی همانند زبان‌شناسی، ادبیات، سبک‌شناسی، منطق، فلسفه، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، ارتباطات، موسیقی‌شناسی، روان‌شناسی، علوم شناختی پدید آمده است.

در حال حاضر، در اکثر کشورها دو رویکرد مختلف برای نشانه‌شناسی وجود دارد. اولین رویکرد، گرماسی است که معنا یا به عبارت بهتر ساختارهای معنایی را در دل گفتمان (کلامی یا غیرکلامی) جست‌وجو می‌کند؛ ساختارهایی که در بطن متن و در خود زبان وجود دارد و از دو سطح بیان و محتوا تشکیل شده است. از این رو، آن را نشانه‌شناسی ساختارگرا یا درون‌متنی^۱ می‌نامند و در ایران با عنوان نشانه-معناشناسی مکتب پاریس معرفی شده است، رویکرد دیگر نشانه‌شناسی پیرسی، براساس نظریات شارل سندرس پیرس^۲، فیلسوف و منطق‌دان آمریکایی (۱۸۳۰-۱۹۱۴)، شکل گرفته که معنا را در موقعیت، در کاربرد زبان (کلامی یا غیرکلامی) و در شرایط تولید آن بررسی می‌کند و نشانه‌شناسی کارکردگرا^۳ نامیده می‌شود که در ایران با عنوان نشانه‌شناسی کاربردی شناخته می‌شود.

و اما گروه زبان و ادبیات فرانسه در دانشگاه شهید بهشتی تصمیم گرفت به مناسبت صدمین سالگرد گرماس، همایش نشانه‌شناسی برگزار کند. این همایش موقعیت بسیار خوبی فراهم آورد تا نشانه‌شناسان ایرانی، فرانسوی، بلژیکی و ایتالیایی با هم تبادل نظر کنند؛ البته هدف اصلی از برگزاری این همایش، گسترش نظریه‌های نشانه‌شناسی در ایران و معرفی چشم‌اندازهای نو برای دانشجویان، محققان و اندیشمندان این رشته بود.

مجموعه سخنرانی‌ها به دو زبان فارسی و فرانسه در دو جلد به چاپ رسیده‌اند. اولین جلد این مجموعه به زبان فارسی و شامل هجده مقاله در پنج فصل است با پیکره مطالعاتی بسیار متنوع نظیر شعر، تئاتر، رقص، موسیقی،

1. Sémiotique immanentiste

2. Charles Sanders Peirce

3. Sémiotique pragmatiste

مجموعه مقالات ❖ ۱۷

جامعه. جلد دوم شامل سیزده مقاله و در سه فصل به چاپ رسیده است که به ترتیب بر رابطه میان نشانه شناسی و ادبیات، نشانه شناسی و تصویر، نشانه شناسی و جامعه تأکید می کند. نویسندگان فرانسوی و بلژیکی و ایتالیایی و نویسندگان ایرانی در هر فصلی به روشنی و با روشی منحصربه فرد مسائل مختلف فرهنگی را مطرح کرده اند که در واقع تضمین کننده سازگاری و تبادل اندیشه های آنان است.

در پایان، لازم می دانم از همکاران زیر تشکر کنم:

از ویراستاران متن فارسی، خانم ها معصومه عدالت پور، سمیه سادات حسینی، عارفه نژادبهرام، مینا محمدیان، افسانه دهکامه و سمیرا علمدار علی اکبری که برای ویرایش این کتاب زحمت بسیاری کشیدند، همچنین از ویراستار متن فرانسه جناب آقای دکتر بابک خلعتبری تشکر می نمایم. زحمات استاد ارجمندم، جناب آقای پروفیسور دنی برتران که متن فرانسه را بازنگری کردند و مقدمه ای برای این مجموعه نوشتند را ارج می نهم. به ویژه از جناب آقای دکتر امیر بیگلری نشانه-معناشناس و پژوهشگر ساکن فرانسه صمیمانه سپاسگزارم که با راهنمایی های ارزشمند خود در پربار کردن هرچه بیشتر این دو جلد ما را یاری کردند.

مرضیه اطهری نیک عزم

دبیر اجرایی همایش

آبان ماه ۱۳۹۷

تعامل: اگرستانس یا امر حسی؟

هیوا حیدری^۱

چکیده

از دهه ۸۰ به بعد و عمدتاً با آثار متأخر گِرمَس، نشانه‌شناسی وارد مرحله جدیدی می‌شود که به نسبت آنچه در نشانه‌شناسی کلاسیک شاهد آن بودیم، تغییرات محسوسی می‌یابد. اگر بخواهیم به نمونه‌هایی از این تغییرات اشاره کنیم، قطعاً نمی‌توانیم از روی آوردن نشانه‌شناسی به پدیدارشناسی و در مرکز توجه قرار گرفتن مفهوم تعامل چشم‌پوشی کنیم. از جمله نشانه‌شناسانی که مفهوم تعامل در نوشته‌هایش نقش مرکزی دارد، اریک لاندوفسکی است. وی در این خصوص چهار نظام معنایی تعاملی معرفی می‌کند که از نظر او چهار شیوه هستی در جهان است. او که به دنبال یافتن ابعاد تازه‌ای از فرایند تولید معناست، ادعا می‌کند در نظام معنایی تطبیق که مبتنی بر ادراکی حسی است، به آنچه می‌خواسته دست یافته است؛ یعنی توانسته معنا را از سوژه محوری، که در نشانه‌شناسی کلاسیک شاهد آن بودیم، برهاند؛ در عین حال با این نظام معنایی که مبتنی بر امر ادراکی حسی است، بُعدی از ارتباط ما با جهان را تصویر کرده است که با آن معنا را به مثابه حضور ادراک می‌کنیم.

نگارنده در این نوشته با تکیه بر مفاهیم هستی‌شناختی، خوانشی جدید از مفهوم تعامل ارائه می‌کند که هسته مرکزی آن را اگرستانس^۲ تشکیل می‌دهد که پردازشی مبتنی بر مؤانست و دست‌ورزی است. برای اینکه ابعاد تازه‌ای این

۱. دانشجوی دوره دکتری علوم زبانی دانشگاه لیموز فرانسه، hiva01.h@gmail.com

2. existence

خوانش بیشتر ملموس باشد، نظام‌های تعاملی اریک لاندوفسکی را معرفی کرده‌ایم و از این طریق، مقایسه‌ای به دست داده‌ایم که نکات متمایز را برای خواننده بیشتر توضیح می‌دهد. خوانش جدید نگارنده از تعامل، این مفهوم را ریشه‌ای‌تر بررسی می‌کند و نشان می‌دهد با نادیده گرفتن امکان‌های وجودی طرفین تعامل، فرایند تولید معنا از مسیر پدیداریت خارج می‌شود و تحت تأثیر سوژه محوری باقی می‌ماند.

کلیدواژه‌ها: اگزیستانس، تعامل، دازاین، شیء، هستی‌شناسی

مقدمه

در مفهوم تعامل آنچه اساسی به نظر می‌رسد، ارتباطی دوتایی است که طی آن سوژه و ابژه در ارتباط با هم قرار می‌گیرند. اما نکته مهم‌تر، آن رانه مرکزی و اساسی‌ای است که این ارتباط دوتایی را به معنایی پدیدارین راه می‌نمایاند؛ زیرا هرگونه برخورد و مراوده و درگیری را نمی‌توان تعامل دانست. هرکس در زندگی روزانه، به نحوی در جریان این ارتباط قرار می‌گیرد؛ به طوری که دوری از آن اجتناب‌ناپذیر است. شاید بیراه نباشد اگر بگوییم اساس زندگی هر فرد را تعامل تشکیل می‌دهد و ما هر لحظه در تعامل به سر می‌بریم. دو قطب هر تعامل از یک سوژه و یک ابژه تشکیل شده است که در این نوشته به تبعیت هایدگر، آن‌ها را دازاین و شیء می‌نامیم.

از دهه ۸۰ به بعد، نشانه‌شناسان به نوعی به تعامل توجه کردند و این مفهوم به موضوع تحلیل‌های نشانه‌شناختی تبدیل شد. یکی از نشانه‌شناسانی که تعامل از مفاهیم اصلی تئوری‌اش به حساب می‌آید، اریک لاندوفسکی است. در این خصوص، وی چهار نظام معنایی را برشمرده است: ۱. نظام تعاملی عمل که مبتنی بر برنامه‌مداریت و اصل علی و مکانیکی است؛ ۲. نظام تعاملی مجاب‌سازی که مبتنی بر قصدداشتن و نیت‌مندی و اصل نیت و انگیزه است؛ ۳. نظام تعاملی تطبیق که مبتنی بر حساسیت و اصل ادراکی حسی است؛ ۴. نظام تعاملی تصادف که مبتنی بر شانس و اقبال است. لاندوفسکی در دواثر

مهم خود یعنی احساس‌های بی‌نام^۱ و تعامل‌های خطری^۲، دو نظام معنایی تطبیق و تصادف را به طور مفصل تشریح کرده است. با نگاهی به این دواثر، شاید مطرح کردن این ادعا بیراه نباشد که هدف اصلی روی آوردن این نشانه‌شناس به پدیدارشناسی و به کارگیری آن، معرفی ابعاد تازه‌ای از فرایند تولید معناست. او در این باره، کوشیده این فرایند را از انحصار سوژه و اصل «داشتن یا نداشتن» که در نشانه‌شناسی کلاسیک شاهد آن بودیم، به درآورده و به معنا اجازه دهد به نحوی پدیدارین تولید شود. طبق ادعای وی، این مهم میسر نمی‌شود مگر از طریق بُعد ادراکی حسی ارتباط سوژه با جهان. سوژه بدین صورت، معنا را به مثابه حضور ادراک می‌کند.

لاندوفسکی با گذر از نظام‌های معنایی برنامه‌مدار روایی کلاسیک، اصیل‌ترین فرایند تولید معنا را در نظام تعاملی تطبیق می‌جوید که مبتنی بر حساسیت و اصل ادراکی حسی است. وی در تحلیل خود از تعامل، بدون اینکه به عوامل اصلی این مفهوم یعنی سوژه و ابژه بپردازد، فرایند تولید معنا را که حاصل تعامل این دوست، بررسی می‌کند. در این نوشته، نگارنده با تکیه بر مفاهیم هستی‌شناختی، خوانشی نشانه‌معناشناختی از مفهوم تعامل ارائه می‌کند که در پی یافتن افق‌هایی تازه در فرایند تولید معناست. برای اینکه ابعاد تازه این خوانش برای خواننده بیشتر ملموس باشد، با معرفی چهار نظام تعاملی اریک لاندوفسکی، مقایسه‌ای به دست آورده‌ایم که جنبه‌های تازه خوانش نگارنده را برجسته‌تر می‌کند. در این خوانش، نخست به خود مفهوم تعامل پرداخته‌ایم و بعد، عوامل اصلی آن، یعنی سوژه و ابژه را تحلیل کرده‌ایم. تحلیل سوژه و ابژه در این نوشته براساس امکان‌های وجودی این دواست که زمینه مناسب برای راه یافتن به پدیدارین‌ترین معنای ممکن را میسر می‌کند. دو نمونه از امکان‌های وجودی سوژه را در این نوشته برشمرده‌ایم که «درجهان هستن» و «آگزیستانس» هستند. حول ابژه هم که در این نوشته آن را شیء می‌خوانیم،

1. *Passions sans nom*

2. *Les interactions risquées*

درباره شیء بودن که امکان وجودی آن ابزار بودن است، بحث کرده ایم. در خلال تحلیل نشان می دهیم چگونه این امکان های وجودی سنگ بنای تعاملی می شوند که در آن معنا به پدیدارین ترین حالت ممکن و در پردازش دست ورزانه تولید شود. خوانش جدید نگارنده از تعامل، این مفهوم را ریشه ای تر بررسی می کند و نکاتی را که مکمل کار لاندوفسکی است، برجسته می سازد. نگارنده اساس تعامل را برون خویشی^۱ یا اگزیستانس معرفی می کند. این مفهوم که با هایدگر معنایی جدید به خود می گیرد، حالتی از هستی انسان، یعنی چگونه هستی است که انسان خود را بر اساس آن می فهمد و اساس همه تعامل ها و حتی فهم وی را نیز تشکیل می دهد. در خلال معرفی خوانش جدیدی که از مفهوم تعامل به دست می دهیم، این پرسش اجتناب ناپذیر است: لاندوفسکی با مطرح کردن نظام معنایی تطبیق تا چه میزان توانسته است ادعای خود را مبنی بر رهایی معنا از سوزده محوری و گذر از نشانه شناسی کلاسیک تحقق بخشد؟

۱. اریک لاندوفسکی و چهار نظام معنایی

آنچه در ابتدا هدف اصلی و تنها دل مشغولی نشانه شناسی به حساب می آمد، کار روی متن بود. تصویری که این دیدگاه از نشانه شناسی به دست می داد، تصویری بسته و ساختارگرا بود و برای اینکه خود را مانند نظریه ای علمی و روشمند نشان دهد، باید به روشی اثباتی و علمی، به معنا که موضوع آن بود، می پرداخت. آن هایی که در این حوزه فعالیت داشتند، پایبند اصول سفت و سخت ساختارگرایی بودند و متن را تنها میعادگاه جست و جوی معنا می دیدند و برای این منظور به تجزیه و تحلیل تولیدات آشکاری می پرداختند که از ورای آن ها، معنا خود را آشکار می کرد. در این باره اریک لاندوفسکی کنایه وار اشاره می کند: «مدتی طولانی نشانه شناسی را روش تجزیه و تحلیل محتوا به حساب می آوردند؛ روشی که ساده لوحانه از آن خواسته می شد که معنای متون را بگوید.

مطمئنأ نمی توانست؛ نه به علت نبود امکانات مقتضی خوانش، زیرا از این حیث مجهز بود؛ بلکه در اینجا اصل قضیه محل پرسش است و آن اینکه حتی اگر تصور کنیم که متون و چیزهای دیگر دارای معنا هستند، نباید این گونه نتیجه گرفته شود که معنایی که متعلق به آن هاست، [...] از پیش وجود دارد و همچون گنجی در پس کلمات یا همچون راه حل معمایی نهفته در پس آن ظاهر می شود. اگر چنین است، معنا به طور معمول یکی از اجزای ساختی متون یا بافتی از چیزهاست که خارج از ما وجود دارد و منتظر است تا ما آن را کشف کنیم» (لاندوفسکی، ۲۰۰۴، ص ۱۵).

این نشانه شناسی که معنا را به روشی علمی تحلیل می کند، به کلی تجربه زیسته را نادیده می گیرد و آنچه برایش اهمیت دارد، معنای تولید شده در متن است. پیروی از این بینش نه تنها نشانه شناسی را از خود زندگی دور کرد؛ بلکه پرداختن به بنیادی ترین پرسش یعنی چگونگی معنادادن حضور ما در جهان را نیز به دست فراموشی سپرد. معنای روشمند و اثباتی و دربند کدهای متنی، طبیعتاً نمی توانست جاه طلبی های نشانه شناسانی را ارضا کند که در جست و جوی معنای زندگی بودند؛ آن گونه که گِرمَس در پی دست یافتن به این مهم بود. بنابراین نشانه شناسان در پی یافتن ابعاد تازه ای از فرایند تولید معنا در نوشته های خود، مفاهیم پدیدارشناسی را بیش از پیش در تحلیل های خود به کار بردند. گرایش به فلسفه مذکور با کارهای موريس مرلو-پونتی بی ارتباط نبود؛ در چند دهه اخیر مفاهیمی که قبلاً در نشانه شناسی هیچ جایگاهی نداشتند، کم کم سر برآوردند: تن، ادراک، امرحسی، حضور و... دلیل اصلی این روی آوری و چرخش به سوی پدیدارشناسی به وضوح در این جمله هایدگر نمایان است: «ما وقتی پدیدارشناسی را به عنوان روشی برای تحلیل انتخاب می کنیم، ناخودآگاه به نابسندگی روش های دیگر تحلیل اعتراف می کنیم.» این تحول در نشانه شناسی سبب شد که کانون توجه از گفته صرف (متن) متوجه گفته پردازی شود و در واقع، به نوعی به سوژه گفتمانی بها می داد. این چنین، نخستین پایه های گذر از

نشانه‌شناسی روایی و کلاسیک به سوی نشانه‌شناسی مبتنی بر حضور، قوام می‌گیرد.

آنچه شرح آن رفت، خلاصه کوتاهی از تغییر رویه نشانه‌شناسی در دهه‌های گذشته است. اریک لاندوفسکی که تحت تأثیر این تغییر رویه است، با انتشار دو اثر به نام‌های *احساس‌های بی‌نام* و *بعد از آن تعامل‌های خطرناک* ابعاد تازه‌ای را از فرایند تولید معنا معرفی می‌کند که در بافت اتفاق می‌افتد و دیگر، معنای تولید شده در متن، بسته نیست؛ بلکه نتیجه تعامل سوژه‌ها در شرایط متفاوت گفتمانی است. چهار نظام معنایی به تفصیل در ادامه شرح داده می‌شوند.

۱.۱. برنامه‌مداریت و مجاب‌سازی

دو شکل تعاملی در نشانه‌شناسی روایی کلاسیک عبارت‌اند از: نظام معنایی عمل یا کنش برنامه‌مدار که مبتنی بر اصل نظم و قاعده و برنامه‌مداریت است که در آن سوژه‌ها بر اساس برنامه‌های ازپیش معلوم و برنامه‌ریزی شده با هم تعامل می‌کنند؛ در این نظام تعاملی، منطق و اصل علی و مکانیکی، اساس کار را تشکیل می‌دهد. نظام دیگر معنایی مجاب‌سازی است که نیت‌مندی و اصل نیت و انگیزه تعامل را پیش می‌برد. در اینجا اصل، نیت و انگیزه است. برخلاف آنچه در نظام عمل ذکر شد، اینجا دو سوژه با توانش مدالی با یکدیگر در ارتباط مستقیم قرار می‌گیرند. نخستین پیامد این توانش مدالی که از نوع شناختی^۱ است، پیش‌بینی ناپذیری است که خود میزان ریسک بیشتری دارد.

مشخص است که اصل مکانیکی و علی در نظام معنایی «عمل» و نیت و انگیزه در نظام معنایی «مجاب‌سازی» عواملی هستند که معنا در چهارچوب آن‌ها تولید می‌شود؛ پس بیراه نیست اگر بگوییم یکی از دلایل اصلی روی آوردن لاندوفسکی به مفاهیم پدیدارشناسی، رهانیدن معنا از چهارچوب‌هایی است که در نشانه‌شناسی روایی به وضوح شاهد آن بودیم. معنایی که در این کادرهای

بسته تولید می‌شود، همگی سوژه‌مدار هستند و لاندوفسکی با نظام معنایی تطبیق، مبتنی بر حساسیت و اصل جریان ادراکی حسی، در پی ابعاد تازه‌ای از فرایند تولید معناست که برآمده از تعامل است؛ نه از سوژه و ابژه.

۲.۱. نظام معنایی تطبیق

در این نظام معنایی، همانند نظام مجاب‌سازی، سوژه مخاطبش را به مثابه هم‌سوژه در نظر می‌گیرد؛ با این تفاوت که در اینجا تعامل بر اساس امر ادراکی حسی است. این دو نکته سبب می‌شود میزان ریسک در این نظام معنایی بالاترین میزان باشد. البته وجود این تشابه‌ها لزوماً دلیلی برای دستیابی به نتایج مشترک در دو نظام مجاب‌سازی و تطبیق نیست. لاندوفسکی در این باره می‌گوید: «... در هر دو موقعیت کنش مخاطب، آنکه مجابش می‌کنیم و آنکه با او یکی می‌شویم، محدود به نقش‌های مضمونی و کنش در نظام معنایی عمل نیست؛ بلکه بسته به واکنش دارای توانش است. آنچه مهم است، این است که این توانش ممکن است از دو نوع متفاوت باشد و این همان نقطه تمایز بین مجاب‌سازی و تطبیق است» (لاندوفسکی، ۲۰۰۵، ص ۴۱).

در تطبیق، آنچه تعامل را پیش می‌برد، پویایی دوطرفه و با ارزشی برابر است که در آن سوژه‌ها یکدیگر را حس کرده و کنش را با هم تجربه می‌کنند؛ پس می‌شود گفت در مقابل آنچه توانش مدالی نامیده می‌شود، توانش ادراکی حسی^۱ داریم که بر پایه برانگیختن حس^۲ است. در اینجا اگر تعامل را ارتباط بینانسانی در نظر بگیریم، شاید امر ادراکی حسی با توجه به توانش‌های انسانی زیاد پیچیده به نظر نیاید؛ اما زیبایی تحلیل این نظام معنایی آنجا مشخص می‌شود که ادراک حسی مبنای تعامل انسان و یک شیء یا یک چیز می‌شود.

1. Esthétique

2. Faire sentir

۳.۱. نظام معنایی تصادف

در مقابل برنامه‌مداریت مطلق در نظام معنایی عمل، با نظام ریسک و تصادف مطلق مواجه هستیم که در آن بی‌برنامگی و آشوب نه برآمده از برنامه‌مداریت است، نه مجاب‌سازی و نه تطبیق. فضایی که در آن با تصادفی روبه‌رو می‌شویم که بی‌هیچ دلیلی حادث شده است. این حادثه‌های تصادفی جزئی از احتمالات زندگی هرروزه ما به‌شمار می‌آیند و اصول مفصل‌بندی نشانه‌شناسی به ما اجازه می‌دهد آن را در نظر بگیریم. این اصول به همان شبکه مفاهیم و ارتباطی تعلق دارد که سه نظام قبلی را تنظیم می‌کنند.

۴.۱. معنا در نظام معنایی تطبیق

بعد از اینکه نظام‌های معنایی چهارگانه تعاملی را به اختصار توضیح دادیم، اکنون این مسئله مطرح می‌شود: همه هم لاندوفسکی این بود که فرایند تولید معنا را که خود در راستای اهداف سوژه بود، از چهارچوب درآورد. وی ادعا می‌کند این مهم را در نظام تطبیق و با بهره‌گیری از مفاهیم پدیدارشناختی به‌انجام رسانیده است؛ اما اصل مطلب تشریح این فرایند است که معنای پدیدارین چگونه در نظام تعاملی تطبیق تولید می‌شود. نکته‌ای که لاندوفسکی در فرایند تولید معنا بر آن تاکید می‌کند، ریسکی است که در نظام‌های معنایی مختلف در فرایند تولید معنا مداخله می‌کند؛ برای مثال؛ در نظام معنایی عمل، ما با کمترین میزان ریسک مواجهه هستیم؛ اما همین مسئله در نظام معنایی تطبیق به‌نحوی اساسی ظاهر می‌شود؛ به گونه‌ای که سوژه در تعامل با ابژه هر لحظه در حال تجربه لغزش است و در فرایند تطبیق و از این لغزش مهارشده معناهای جدید شکل می‌گیرد و اینجاست که سوژه، معنا را به‌مثابه حضور ادراک می‌کند.

در تشریح فرایند تولید معنا لاندوفسکی می‌گوید نباید این گونه فرض کنیم که معنا در پس کلمات یک متن یا در حالت کلی وجود دارد و جزئی است از اجزای تشکیل‌دهنده آن‌ها و منتظر سوژه است تا آن را کشف کند. اساساً بحث بر سر